

# آزادی برای زندانیان سیاسی ایران!

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷

دانش آموزان و دانشجویان عزیز! با شروع مهرماه پار دیگر درهای مدارس و دانشگاه ها به روی شما باز می گردد و سال تحصیلی جدید آغاز می شود. بدین مناسبت، کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شادباش می گوید و پرایتان سالی سرشار از کامیابی در عرصه دانش اندوزی و بیکارگری آرزو می کند.

سال تحصیلی ۶۸ - ۶۷، از جهات معینی، در شرایطی متفاوت تر از شرایط سیاسی - اجتماعی سال های پیش آغاز می گردد. انسال هر چند همچنان جامعه در کوره تب پهران اقتصادی - اجتماعی زائیده سیاست و عملکرد رژیم می سوزد، ولی با این وجود دیگر شعله های سرکش آتش چنگ در چپه ها روشن نموده در ص ۲

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲۵ دوره هفتم سال پنجم  
شنبه ۱۳۶۷/۶/۲۹ بهای ۲۰ ریال

## در باره کابینه آقای موسوی

در نظام "ولایت فقیه" ترکیب وزیران کابینه بیانگر تناسب نیروها در زمان معین، میان گروه های رقیب در هرم حاکمیت است. هر یک از جناحها تلاش می ورزد نماینده خود را به دولت تحمیل کند و معمولاً این وزیران بصورت دولتی در داخل دولت عمل می کنند و در مواردی نه اندک، به نخست وزیر گزارش جامع از کارهای خود نمی دهند.

موسوی در جلسه ای که ۲۱ وزیر خود را به مجلس معرفی کرد یاد آور شد که اگر به وزیرای رای عدم اعتماد داده شود، شاید حتی در طرف پکالی که تا انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است نتوان به جایش وزیر جدیدی را برای تصدی وزارتخانه ای که بدون سرپرست مانده است معرفی کرد. این دشواری در مورد بافتن وزیر، لااقل شگفت انگیز است. بخصوص اگر توجه کنیم که اکثر مجلس رسماً اعلام کرد.

دوشنبه هفته گذشته، مجلس به ۱۸ وزیر از ۲۱ وزیر معرفی شده توسط نخست وزیر رای اعتماد داد. وزیران سپاه پاسداران، کشاورزی و آموزش و پرورش با رای عدم اعتماد اکثریت نمایندگان روبرو شدند. بدین ترتیب کابینه موسوی با سه چهارم "ظرفیت" آغاز به کار کرد. شش وزیر دیگر باقی می ماندند که باید بعداً معرفی شوند. اما آنطور که از توضیحات نخست وزیر در مجلس بر می آمد، در جمهوری اسلامی انتخاب وزیر برای یک وزارتخانه کاریست بس دشوار. زیرا گروه های حاکم، هر یک باید "آدم" خود را در هیئت دولت داشته باشند. به همین سبب نخست وزیر که هفته پیش از آن استعفا خود را به رئیس جمهور داده و سپس مورد سرزنش خمینی قرار گرفته بود، مانند گذشته موافقت خود را با پذیرفتن وابستگان به گروه های مختلف حاکمیت در کابینه خویش در مجلس رسماً اعلام کرد.

## بخاطر آنها که زنده اند

باد مهرگان میان شاخ و برگ درختان می وزد. چه برکهایی که فرو می ریزند. چه ساقه های نازکی که می شکنند... اما چه غم، درختان می مانند و ریشه ها. و باز هم بهار خواهد آمد، و برکه های نو، و شکوفه ها. طبیعت چنین قانونی دارد.

برای نونهالان باغ ماء باغ زندگی ما انسانها، آغاز مهرگان، آغاز بهاری دیگر است. دیگر بار زنگها در مدرسه ها صدا در می آیند. فرزندان ماء برادران و خواهران کوچکتر ماء، صف می بندند و راهی کلاسها می شوند. آموزگاران زحمتکش سینه صاف می کنند تا به دانش آموزان خوش آمد بگویند. باز هم قیل و قال بچه ها. باز هم شور و حال زنگهای تفریح. و شیطنت ها. و خنده ها...

باز هم دانشجویان، آینده سازان کشور. باز هم زرمه های پنهان و نیمه پنهان و آشکار ناراضی و اعتراض. باز هم سخن از امروز و آینده. چه خواهد شد؟ چه باید کرد؟

دریغاکه اسامال هم جای خیلی از همشاکردیها خالی است. از این به غارت توفان رفتگان بسیارند، بخصوص در مدارس راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه. آیا یک کل سرخ جای خالی آنها را روی نیمکتها پر خواهد کرد؟ نه، بیگمان نه. بقیه در ص ۲

## هیئت نمایندگی حزب توده ایران به رهبری رفیق خاوری در فرانسه

دعوت حزب کمونیست فرانسه در آن کشور اقامت داشت. این هیئت فزون پر شرکت در "چشم اومانیته" روز چهارشنبه ۲۲ شهریورماه کنفرانس مطبوعاتی در پاریس تشکیل داد. هدف از کنفرانس مطبوعاتی نامبرده آشنا ساختن نمایندگان رسانه های گروهی فرانسه و جهان و از طریق آنان افکار عمومی جهان با موج جدید و گسترده اعدام ها و دیگر جنایات هولناکی بود که اینک رژیم علیه زندانیان توده ای و دیگر سازمان های اپوزیسیون به راه انداخته است. هیئت نمایندگی حزب توده ایران در پیمانیه بقیه در ص ۲

در روزهای ۱۸ - ۲۵ شهریور هیئت نمایندگی حزب توده ایران به رهبری رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و به

## درود بر زنان اعتصابی!

خانواده های زندانیان سیاسی نیز در آن شرکت داشتند، نشان دادند. شرکت کنندگان در اعتصاب غذا با خبرنگاران روزنامه ها، رادیوها و تلویزیونهای کشورهای مختلف گفتگو کردند و افکار عمومی را در جریان وضع دشوار و نگران کننده زندانیان سیاسی کشور مادر سیاهچالهای رژیم ج.ا. قرار دادند.

سازمان دهنده این اعتصاب "تشکیلات دمکر اتیک زنان ایران" بود که با همبستگی عمیق نیروهای گوناگون سیاسی ایرانی و غیر ایرانی روبرو شد.

سی زن ایرانی، از سیزدهم تا شانزدهم اوت، در فرانکفورت - از شهرهای بزرگ آلمان غربی، دست به اعتصاب غذا زدند. زنان اعتصابی خواستار پایان دادن به اعدامهای خودسرانه زندانیان سیاسی ایران و لغو قطع ملاقات آنان با خانواده هایشان گردیدند. اعتصاب کنندگان، با افشای جنایتهای رژیم در داخل زندانها، شکنجه های جسمی و روحی، از جمله گرفتن وصیت نامه برای تضعیف روحیه زندانیان سیاسی را بشدت محکوم کردند.

رسانه های گروهی در "غرب" توجه زیادی نسبت به این اعتصاب، که برخی از اعضای

## القلاب

در ص ۴

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

## پیام کمیته مرکزی

نیست. چنانکه می‌دانید تحت فشار مبارزات صلح‌خواهانه مردم ایران، رژیم "ولایت فقیه"، گرچه با یک سال تاخیر، ناکزیر گردید که قطعنامه ۵۸ را بپذیرد و گام در راه حل سیاسی مسائل مورد اختلاف با عراق بگذارد. در شکست سیاست جنگ طلبانه و واداشتن رژیم به عقب نشینی از مواضع پیشینش شمانیز سهم شایسته و انکارناپذیر خود را داشتید و بحق می‌توانید آن را یکی از دستاوردهای رزمندان همدوش با دیگر لایه‌ها و طبقات ترقی‌خواه قلمداد کنید.

در شرایط کنونی که آتش‌بس در جبهه‌ها برقرار شده و گفتگوهای طرفین درگیر زیر سرپرستی دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان است، رژیم می‌کوشد همچنان جامعه را در "وضعیت جنگی" و "حالت فوق‌العاده" نگهدارد و به سیاست نظامی کردن سرپای جامعه و از آن میان عرصه آموزش و فرهنگ ادامه دهد. طبیعی است که اگر سیاست نظامیگری رژیم بطور کامل درهم شکسته نشود، بحران عمومی و از جمله بحران ژرف دامنگیر نظام آموزشی کشور ژرفتر می‌گردد. زیرا رژیم همانند گذشته تلاش خواهد ورزید با مزار توطئه و ترفند دانش‌آموزان و دانشجویان را به جبهه اعزام دارد و بخش مهمی از بودجه کشور را صرف هزینه‌های نظامی و خرید جنگ‌افزار از انحصارات و دلان امپریالیستی کثذ و آموزش و فرهنگ کشور را با بودجه اندک و انبوه مسائل و کاستی‌ها به حال خود گذارد. حتی یک لحظه نباید از نظر دور داشت که امسال حدود ۱۲ میلیون دانش‌آموز و دانشجو با کمبود شدید امکانات و تسهیلات آموزشی روبرو هستند. مدارس و دیگر موسسات آموزشی موجود، به هیچ رو حتی پاسخگوی حداقل نیازهای واقعی جامعه نیستند. در حال حاضر بیش از ۵ میلیون تن از فرزندان زحمتکشان، پویژه روستازادگان و عشایر پایشان به مدارس نمی‌رسد. هرسال صدها هزارتن از فرزندان کارگران و رنجبران بخاطر فقر و تنگدستی ناکزیر می‌گردند کلاسهای درس را ترک گویند و ناپهنگام راهی محیط‌های کار و تولید شوند. از بین داوطلبان ادامه تحصیل در دانشگاه حتی با درنظر گرفتن سهمیه نهادها و بنیادهای وابسته به رژیم تنها ۱۰ درصد آنان با گذشتن از هفت خوان "تشخیص صلاحیت اخلاقی" رژیم به دانشگاه‌ها وارد می‌شوند. در عین حال فضای محیط‌های آموزشی بسیار تنگ، کیفیت آموزش بسیار نازل، امکانات ضرور آموزشی همانند آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها بسیار محدود، لوازم آموزشی همانند کتاب و دفتر و قلم کم و بسیار گران و وضع بهداشت موسسات آموزشی بسیار اسفناک است.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌گردد که همچنان بوم شوم ترورو خفقان بر پام کانون‌های آموزشی نشسته است. دانشجویان و دانش‌آموزان از هرگونه آزادی دمکراتیک همانند حق آزادی اندیشه و بیان و حق سازماندهی و

سازمانیابی محروم هستند. تعداد زیادی دانشجو و دانش آموز انقلابی و ترقی خواه در سیامچالهای قرون وسطایی رژیم به بند کشیده شده‌اند و هر گونه فعالیت سیاسی جز در چارچوب تایید و تبلیغ سیاست رژیم "ولایت فقیه" در محیط‌های آموزشی ممنوع و کمترین عقوبت برای جوانان دگراندیش محرومیت از تحصیل است. نهادهای سرکوبگر رژیم در مدارس و دانشگاهها پویژه انجمن‌های اسلامی، با برخورداری از اختیارات وسیع، در واقع کارگزاران اعمال حکومت سر نیزه در مراکز آموزشی هستند.

دختران دانش آموز و دانشجو در منگنه خشن ترین ستمها و تبعیض هاپسر می‌برند و از ابتدایی ترین حقوق فردی، انسانی و اجتماعی و از جمله آموزش در شماری از رشته‌های هنری، فنی و کشاورزی محرومند و هر گونه همکاری و همفکری سازنده در زمینه مسائل صنفی و علمی که جای خود دارد، حتی سلام و احوال پرسی و گفتگوی ساده با همکلاسی‌های پسرینیز پرایشان ممنوع است. مزدوران رژیم هر نوع همکلامی دختران و پسران در محیط‌های آموزشی را پایشرمانه "فحشاء" می‌نامند.

در عین حال، رژیم با دنهال کردن سیاست گشودن میدان برای فعالیت کلان سرمایه‌داران در گستره آموزشی، البته تحت پوشش "کمک مردم به تاسیس موسسات آموزش عالی و مدارس غیرانتقاعی" شکاف موجود میان سطح آموزشی فرزندان زحمتکشان و مشتی صاحبان زر و زور را ژرفتر کرده است. در حالی که فرزندان اقلیت کوچک غارتگران اجتماعی و پشتیبانان آنها در حاکمیت "ولایت فقیه" از بیشترین امکانات آموزشی برخوردارند و در مجهزترین موسسات آموزشی سرگرم تحصیل هستند، فرزندان خانواده‌های زحمتکش یعنی اکثریت شکننده دانش‌آموزان و دانشجویان، در بسیاری موارد از حداقل تسهیلات آموزشی هم محرومند.

دانشجویان و دانش‌آموزان مبارزا شایان که از سیطره دوزخی رژیم "ولایت فقیه" رنج می‌برید و خواهان زندگی در جامعه‌ای برخوردار از آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، جامعه‌ای که در آن انسانها با آرامش خاطر و به دور از تبعیض به خوشه چینی از خرمن دانش بشری پردازند، هستید به تجربه تاریخ می‌توان گفت که بدون اتحاد عمل و سازماندهی تشکل‌های صنفی و سیاسی نمی‌توانید به خواستهای پرحق خویش دست یابید. دقیقا در این پیوند، مبارزه در راه آزادی‌های دمکراتیک اهمیت حیاتی دارد.

دانش‌آموزان و دانشجویان! در شرایط کنونی برای گسترش دامنه پیکار خودپو و پراکنده در کانون‌های آموزشی باید هسته‌های مخفی رهبری مبارزات صنفی - سیاسی بوجود آورد و پابعایت اصول پنهانکاری و درآمیزی فعالیت علنی و مخفی در راه اهداف مرحله‌ای زیر مبارزه کرد:

- ضمن افشاگری هرچه گسترده‌تر پیرامون سیاست نظامیگری رژیم، مقاومت در برابر اعزام اجباری دانش‌آموزان و دانشجویان را

## هیئت نمایندگی

مطبوعاتی خود از مردم فرانسه خواست تا بانگ اعتراض خود را علیه این چنایات مقامات ایرانی بلند کنند و قطع اعدام‌ها و آزادی پیدرنگ زندانیان سیاسی را خواستار شوند.

پس از خوانده شدن بیانیه مطبوعاتی هیئت نمایندگی حزب خبرنگاران روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون و خبرنگاری‌ها فرصت آن را یافتند تا پرسش‌های خود را مطرح سازند. جریان کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان حزب توده ایران در رسانه‌های گروهی فرانسه انعکاس یافت. در دیدار رسمی که میان هیئت نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست فرانسه روی داد در پاره رویدادهای ایران، مهمترین مسائل بین‌المللی و مناسبات میان دو حزب بحث شد. این دیدار در محیطی رفیقانه و سرشار از هبستگی میان دو حزب پرادر صورت گرفت.

اعضای هیئت نمایندگی حزب توده ایران در جریان اقامت خود در فرانسه با هواداران حزب نیز ملاقات‌ها و گفتگوهای رفیقانه داشتند.

شرح مفصل فعالیت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در فرانسه و هواداران حزب در "چشم اومانیته" در شماره آینده به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.



شدت بخشید و خواستار بازگشت همکلاسی‌های خود از جبهه‌های جنگ شوید!

- بانگ اعتراض خود را برای درهم شکستن فضای خفقان در محیط‌های آموزشی رساتر سازید!  
- خواستار انحلال نهادهای سرکوبگر رژیم پویژه انجمن‌های اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها شوید!

- خواهان پرچیدن موسسات آموزشی خصوصی، لغوشهریه و جلوگیری از تخلیه مدارس شوید!  
- با تمام توان بکوشید تا شوراهای مدارس، انجمن‌های صنفی مستقل و دیگر تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی را پریا سازید!

- از حقوق دمکراتیک آموزگاران و استادان زحمتکش دفاع کنید!  
- در راه ابراز هبستگی با خانواده زندانیان سیاسی و آزادی فرزندان در بند خلق که بخشی از آنها را دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، از هیچ تلاشی فروگذار نکنید.

دانشجویان و دانش‌آموزان آگاه! با فرارویاندن مبارزات پراکنده و خودپوی صنفی به مبارزات سازمانیافته و سیاسی و ایجاد همپبوندی با پیکار عمومی خلق در راه آزادی و صلح بکوشید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

شهریورماه ۶۷



## بخاطر آنها...

باید گریست؟ نه، باید با توفان سازان نبرد کرد، اگر نه بخاطر دهها هزار نوجوانی که پاره‌های بیشمار تنشان در میدانهای مین افشان شد، اگر نه بخاطر دانش آموزان و دانشجویانی که در باتلاقها فرو رفتند و در بیابانها و کوهستانها جان دادند، اگر نه بخاطر آنان که بمب بر سرشان ریخت و با طعمه\* موşk شدند، بخاطر آنان که زنده اند.

اسمال، روز اول مهر، آن مادرانی که هر سال در چنین روزی صبح زود بر می‌خاستند و عزیزان دلبندهشان را آماده می‌کردند که راه مدرسه را در پیش گیرند، و اسمال جای خالی آنان را در کنار خود می‌بینند، چه خواهند کرد؟ آیا با کلبهاران گورستانها فرزندان بخاک و خون تپیده سر خواهند خاست و راهی کلاس خواهند شد؟ نه!

باز هم مرگ آوران فرزندان مردگان را "دلدار" خواهند داد و از "برکات شهادت" برایشان سخن خواهند گفت. این دشمنان مردم، این سیطره جویان، چه راهی نمی‌بینند جز آن که پایمال شدن این همه خون را "مشیت الهی" قلمداد کنند. آنان می‌خواهند پنجه‌های خون آلود و چهره‌های جنایتکارشان را پنهان دارند. هم از اینرو، کودکان و نوجوانانی را، که هنوز شانه‌های لاغرشان به سختی می‌توانند سنگینی تفنگ را تحمل کنند، "پاسداران رشید اسلام" می‌نامند. باغ هستی را در زمین به آتش می‌کشند تا درهای خیال را در آسمان بکشایند. ننگ بر این فریبکاران! مرگ بر این فریبکاران!

به "اطلاعات" ۱۲ مرداد نگاه کنید. در ستون آگهی مربوط به "شهادت" عکس "پاسدار رشید اسلام، شهید مرتضی بابائی" را ببینید. با معصومیتی که در چشماهایش موج می‌زند، به غنچه‌ای می‌ماند که هنوز تا هنگام شگفتن راهی دراز در پیش دارد. به سختی می‌توان باور کرد که چهارده سالش پر شده باشد. کدام جنایتکاری داس در ساقه\* زندگی او نهاده؟ آیا جای این کودکان معصوم در جبهه است یا در کلاس درس؟



آیا مادران باز هم فریب ددمشنان پیر و "ولی فقیه" را خواهند خورد؟ نه، بیگمان نه، نباید فریبشان بخورند. نباید بگذاریم فریبشان بدهند. جنایتکاران حاکم بر کشور ما، اگر چه به آتش بس تن داده‌اند، اما باز هم می‌کوشند تا کودکان، نوجوانان و جوانان ما را به قربانگاه گسیل دارند و علقی "جهان گشایی" را در خود فرو نیشاندند. و راستی چرا اینهمه دانش آموز، این نهالهای بالنده، این ریشه‌های هستی‌زای زندگی آینده، هنوز به جبهه گسیل می‌شوند؟ در لحظات دشواری بسر می‌بریم. هر لحظه امکان می‌رود، که باز هم آتش جنگ شعله ور گردد و باز هم صدها هزار تن دیگر از نسل محروم امروز را به کام سیری ناپذیر خود در کشد.

## تظاهرات و درگیری در استادیوم آزادی تهران

روز جمعه، سیزدهم خرداد، در ورزشگاه آزادی درگیری شدیدی بین تماشاچیان و مسئولان ورزش رژیم بوقوع پیوست که منجر به زد و خورد و به آتش کشیده شدن صندوقهای استادیوم و تظاهرات ضد رژیم شد.

ساعت ۵/۵ بعد از ظهر، هنگامی که نخستین بازی از دور جدید مسابقات باشگاهی تهران بین تیم پیروزی (پرسپولیس سابق) و بانک ملی شروع می‌شد، پیش از پنجاه هزار تماشاچی به حمایت از علی پروین بازیگر با سابقه و مربی تیم پیروزی که اخیراً از طرف بنیاد مستضعفان کنار گذاشته شده است، شعار سر دادند. وقتی بازیکنان تیم پیروزی به میدان آمدند، تماشاچیان به ابراز اعتراض نسبت به بازیکنان که دستورات بنیاد را پذیرفته‌اند، پرداختند. بازی در محاصره پلیس و کمیته آغاز شد. در طول نود دقیقه بازی تماشاگران علیه بنیاد شعارهایی از این دست می‌دادند: "مرگ بر بنیاد ضد فوتبال!"، "بنیاد ضد فوتبال هو هو هو!"، "پروین سورت، پروین رهبر تله!" و... و با شعار دادن همچنین از برخی از بازیکنان شاخص تیم می‌طلبیدند که از تیم پیروزی زیر نظر بنیاد جدا شوند و تیم مستقلی را سر و سامان بدهند. نیروهای انتظامی هر دم بر تعدادشان افزوده می‌شود و تماشاگران هر دم بیشتر آنها را هو می‌کنند. در وسط دو نیمه\* بازی، دو تن از مسئولان بنیاد قصد صحبت کردن با تماشاگران را داشتند که با اعتراض شدید تماشاگران روبرو شدند. آنها زیر رگبار سنگ و شیشه و شعار حتی اجازه نداشتند که یک کلمه حرف بزنند. از این رو، آنها در حلقه\* محاصره\* ماموران انتظامی محل راترک گفتند.

در پایان بازی پلیس با باتوم به جان تماشاگران افتاد. تماشاگران نیز به مقابله برخاستند و مبادرت به آتش زدن صندوقهای

در اینجاست خاطر نشان سازیم که دقیقاً در پیوند با تظاهرات و اعتراضهایی از این دست بود که رژیم پس از بیان پذیرش رسمی قطعنامه\* ۵۹۸، اعلام داشت:

"بخاطر حضور هر چه گسترده‌تر ورزشکاران و جوانان علاقمند به فوتبال در جبهه‌های نبرد، مسابقه‌های فوتبال در سراسر کشور موقتاً تعطیل اعلام می‌شود" (کیهان ۵/۵/۶۷).

تعطیل مسابقات فوتبال بخاطر آن صورت گرفت تا جوانان دوستدار ورزش و مخالف جنگ و رژیم نتوانند در محیطی گرد هم آیند. رژیم از شکل‌گیری هر گونه تجسمی هراس دارد.

## در باره کابینه...

وزیران کابینه‌های دوران اخیر، نه کیفیات ویژه‌ای داشته‌اند و نه حتی دارای حداقل صلاحیت علمی و عملی لازم برای اداره\* امور زیر مسئولیت خویش بوده‌اند. بعبارت دیگر، هنگامیکه معیار احراز مقام وزارت نازل است، قاعدتاً نباید یافتن جانشین مناسب برای آنان بیش از چند روز فرصت لازم داشته باشد. پس اگر آقای نخست وزیر اینگونه نوسیدانه سخن می‌گوید، علت آن را باید در بغرنجی روابط میان جناحهای گوناگون حاکمیت در شرایط دیکتاتوری مطلقه\* "ولایت فقیه" جستجو کرد.

همه می‌دانند که در جمهوری اسلامی ایران برخلاف دیگر کشورها، نخست وزیر نقش کلیدی

شما مادران و پدران! شما دانش آموزان و دانشجویان! کاری کنید که در مهرماه دیگر مرثیه خون نونهالان به غارت توفان رفته\* دیگر نباشیم. بیاد آورید که هیچ گل سرخی جای انسان زنده را پر نخواهد کرد.

شما آموزگاران! به دانش آموزان زندگی بیاموزید! با تیغ دانش پرده\* تاریک جهل و خرافات را بدرید! به آینده سازان یاد بدهید که تنها در پرتو آزادی و صلح می‌توان به حریم فردا راه یافت. صلح را به مدرسه بیاورید! درخت آزادی را بارور سازید!

ندارد. از "ولی فقیه" گرفته تا روسای قوای سه‌گانه، فرماندهان باند‌های سپاه پاسداران، کمیته‌ها، داستانی‌ها، روحانیون بلند پایه در قم و تهران و دیگر شهرها و نیز نمایندگان امام و امامان جمعه و جماعت، مستقیماً در امور دولتی مداخله می‌کنند. در شرایط حاکمیت مطلقه\* "ولی فقیه"، نخست وزیر چیزی جز مجری اوامر "امام" نمی‌تواند باشد. سیاست مربوط به جنگ و صلح، امور اقتصادی - اجتماعی، بازرگانی و فرهنگی و حتی امور مربوط به زندگی شخصی و خصوصی مردم را خمینی و یاران نزدیکش تعیین می‌کنند.

بحران کنونی در هرم حاکمیت با بحران‌هایی که طی سالهای اخیر وجود داشت یک تفاوت ماهوی دارد که باید آن را مورد توجه قرار داد. با پیام ۲۹ تیر "ولی فقیه" پیرامون قبول قطعنامه\* ۵۹۸ که به معنی شکست مفتضحانه\* سیاست "صدور انقلاب" بود در واقع مرگ سیاسی رژیم "ولایت فقیه" اعلام گردید.

استعفاي نخست وزیر در اوج مبارزه\* میان جناحهای گوناگون و تشدید بحران در حاکمیت را بدون اطلاع قبلی "امام امت" نباید تصادفی تلقی کرد. موسوی با این اقدام، ناخواسته اعتراف کرد که "ولی فقیه" برای او نیز از نظر سیاسی و مذهبی مرده است.

از مجموعه\* آنچه که گفته شد می‌توان فقط یک نتیجه گرفت: رژیم "ولایت فقیه" عدم انطباق خود با روح زمان و بی اعتباری، مطابق خود را به اثبات رسانده است و باید سرنگون گردد.

مسئله انقلاب اجتماعی همیشه یکی از مسائل حاد مورد بحث بوده و هست. برخلاف ادعای نظریه پردازان بورژوازی، انقلابیهای اجتماعی پدیدههایی تصادفی نیستند. انقلابیهای اجتماعی ناشی از قوانین عینی رشد اجتماعی هستند. لنین می گفت: "انقلابیها بنا به سفارش انجام نمی گیرند و با این با آن لحظه همزمان نمی شوند، بلکه در روند رشد تاریخی نضج و قوام می یابند و در لحظه ای بر پایه سلسله کاملی از علل داخلی و خارجی آغاز می شوند" (۱).

بگفته لنین، انقلابیها، هنگامی نضج و قوام می یابند که ده ها میلیون نفر به این نتیجه برسند که دیگر قادر به زندگی به شیوه گذشته نیستند (۲).

**ساموزیم، مجمع کسم، سازمان دهم!**

# انقلاب

این دو اصل لنین درباره انقلاب را نباید آتی از نظر دور داشت. با توجه به این اصول است که به نظر ما مارکسیست-لنینیست ها "صدور انقلاب" غیر ممکن و بی معنی است.

می توان پرسید انقلاب اجتماعی یعنی چه؟ انقلاب اجتماعی گذار جامعه به مرحله عالیت و جدید ترقی اجتماعی از لحاظ کیفی، گذار از نظام قدیم، که دوران بسر آمده، به نظام جدید و مترقی تر است. گذار از یک صورت بندی اقتصادی-اجتماعی به صورت بندی دیگر، از طریق انقلاب اجتماعی صورت می گیرد. می دانیم که تاریخ از شکل گیری پنج صورت بندی اجتماعی-اقتصادی که بطور متوالی جایگزین یکدیگر شده اند، اطلاع می دهد: جامعه کمون اولیه، برده داری، فئودالی، سرمایه داری و جامعه کمونیستی. بایاری گرفتن از نوشته لنین می توان گفت که "انقلاب عبارت است از آنچه دگرگونی که کهنه را از ریشه و اساس برمی اندازد" (۳).

مارکسیسم-لنینیسم می آموزد که زندگی اجتماعی هم مانند همه جهان عینی در حال تغییر و تحول است. این تغییر و تحول و یارشد و تکامل به دو شکل صورت می گیرد: شکل تغییرات تدریجی و به شکل تغییرات جهش وار. تغییرات مستمر تدریجی عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی در محدوده یک سیستم یکپارچه و واحد را تحول (اولوسیون) می نامند. تحول شکل مهم رشد و تکامل اجتماعی بشمار می رود. ناگفته نماند که در جوامع دارای تضادهای آشتی ناپذیر، تحول اجتماعی دیر یا زود با چنان موانعی روبرو می گردد که تنها در روند انقلاب اجتماعی می توان آنها را برطرف ساخت. البته این بدان معنا نیست که مارکسیست ها به تحول-رشد و تکامل اجتماعی کم بها دهند. باید آتی از نظر دور نداشت که انقلاب اجتماعی بفرنج ترین و پیچیده ترین ادوار رشد اجتماعی است. لنین می گفت: "انقلاب-دانشی است حکیمانه و دشوار و بفرنج" (۴). انقلاب یعنی جهش در رشد ترقی جامعه، بمعنی تبدیل تغییرات کمی به تغییرات کیفی است.

تحول و انقلاب اجتماعی مکمل یکدیگر هستند. به بیان دیگر، تغییرات کمی تدریجی و کیفی ناچیز نظام اجتماعی در آخرین تحلیل به انقلاب اجتماعی منجر می گردد. و انقلاب اجتماعی روند تاریخی را به مرحله جدیدی می رساند و امکانات نوینی برای رشد تدریجی و تحول بعدی فراهم می آورد.

## پایه اقتصادی انقلاب

به نظر مارکسیست-لنینیست ها، علل نهایی انقلابیهای اجتماعی در رشد تولید مادی نهفته است. در این باره توضیح می دهیم. ما می دانیم که زندگی اجتماعی (کلدان و هستی اجتماعی) شعور اجتماعی را معین می کند. کلدان و هستی اجتماعی افراد، مقدم بر هر چیز، تولید نعمات مادی و آن مناسبات مادی اجتماعی است که در جریان تولید میان افراد برقرار می شود.

مارکس و انگلس در آموزش خود بر حقیقت ساده و قابل فهم برای همگان متکی بودند و می گفتند: انسانها قبل از آنکه به سیاست و هنر و غیره بپردازند باید بخورند و بنوشند و مسکن داشته باشند. به نظر می رسد که درک این مطلب ساده نیازی به توضیح اضافی ندارد. اما تهیه وسایل زندگی فقط از راه روند

تولید مادی امکان پذیر است. انسانها در روند تولید از ماشینها و غیره استفاده می کنند. به بیان دیگر برای اینکه ماشینها برهه بیفتند نیاز به نیروی کار انسان دارند. وسایل کار و انسانهایی که آنها را در پر تو مهارت ها، تجربه و معلومات خود بکار می گیرند در مجموع نیروهای مولده جامعه را تشکیل می دهند. بدینسان ما معنا و مفهوم آنچه را که نیروهای مولده گفته می شود، درک کردیم. این مقوله اهمیت خاصی در درک انقلاب دارد. افزون بر این ما باید مقوله مهم دیگر، یعنی مناسبات تولیدی را هم روشن کنیم.

انسانها در جریان تولید ناگزیر و علیرغم اراده خویش وارد مناسبات معینی بین خود می شوند. این مناسبات را ما مناسبات تولیدی می نامیم. توضیح بیشتری می دهیم. نیروهای مولده بیانگر بر خوردها و مناسبات انسانها با طبیعت و ابزار تولید هستند و نشان می دهند که انسان پاکک کدام وسایل تولیدی نعمات مادی لازم برای زندگی را بدست می آورد. مناسبات تولیدی مقدم بر هر چیز بیانگر مناسبات مالکیت هستند، یعنی نشانگر آن هستند که وسایل اصلی تولید متعلق به چه کسی است و نیز بر خورد انسانها با یکدیگر در جریان تولید چگونه است و سر انجام محصول کار را چگونه میان خود تقسیم می کنند.

بگفته مارکس و انگلس، نیروهای مولده و مناسبات تولیدی در مجموع، شیوه تولید نعمات مادی را تشکیل می دهند. هم آنها کشف کردند که در هر دوران تاریخی اشکال موجود زندگی اجتماعی و حتی شیوه تفکر انسانها سر انجام بسته به شیوه تولید است. از اینجا نتیجه می گیریم که با تغییر شیوه تولید نعمات مادی تمام زندگی جامعه هم تغییر خواهد کرد. لذا می توان گفت انقلابی عبارت از دگرگونیهای عمیق کیفی زندگی اجتماعی هستند.

نیروهای مولده و مناسبات تولیدی هم دارای وابستگی متقابل و هم تابع قانونمندی خاصی هستند. نیروهای مولده نقش تعیین کننده در این وحدت دارد. این بدان معناست که مناسبات تولید معین میان انسانها نه بنا به هوس کسی، بلکه بنا به خصلت و طبع رشد نیروهای مولده بوجود می آیند. وحدت نیروهای مولده و مناسبات تولیدی به معنی نفی تضاد میان آنها نیست. باید خاطر نشان سازیم که تولید دائما در حال رشد و تکامل است. انسانها برای تسهیل کار خود و نیز تولید بیشتر، وسایل تولید و ابزار کار را تکمیل می کنند و مهارت های تولیدی و معلومات لازم را فرامی گیرند.

اما، مناسبات تولیدی سخت جان تر هستند، گر چه آنها هم دچار تغییراتی می شوند. نیروهای مولده در چارچوب یک شیوه تولید می توانند بگونه ای چشمگیر تغییر کنند، ولی مناسبات تولیدی در چارچوب یک شیوه تولید معین تغییر نمی کند. مثال می آوریم. در دوران سرمایه داری، نیروهای مولده با سرعت رشد می یابند و تغییر می کنند، حال آنکه مناسبات تولیدی که مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بر بهره کشی انسان از انسان است، بهمان شکل باقی می ماند و چنانکه تجربه نشان داده، سرمایه داران برای حفظ این مناسبات بهر جنایتی دست می زنند. اما، این شیوه قادر به حل تضادهای موجود میان نیروهای مولده و مناسبات تولیدی نیست.

ک. مارکس در پیشگفتار "نقدی بر اقتصادی سیاسی" در توضیح انقلاب اجتماعی نوشت: "... نیروهای مولده مادی جامعه در پله معینی از تکامل خویش با مناسبات تولیدی موجود و به بیان دیگر با روابط مالکیت که چیزی جز بیان حقوقی مناسبات تولیدی نیستند و این نیروها تاکنون در چارچوب آنها تکامل می یافتند، در تضاد قرار می گیرند و مناسبات تولیدی از شکلی برای تکامل نیروهای مولده به سد راه تکامل این نیروها بدل می شوند. آنگاه یک دوران انقلاب اجتماعی فرامی رسد". ک. مارکس خاطر نشان ساخت که یک صورت بندی اجتماعی هیچگاه پیش از آنکه تمام نیروهای مولده به تناسب ظرفیت این صورت بندی، به حد کافی تکامل یافته باشد، از میان نخواهد رفت و مناسبات تولیدی عالی تر جدید نیز هیچگاه پیش از آنکه شرایط مادی لازم برای بقا آنها در بطن جامعه قدیم فراهم آمده باشد، پدید نخواهد آمد (۵).

به این اصل باید توجه ویژه کرد. حزب طبقه کارگر با در نظر گرفتن این آموزش مارکس همیشه باید بکوشد هدفهایی را در برابر خود قرار دهد که توان تحقق آنها را داشته باشد. مارکس می گفت که اصولا هدف فقط جایی پدید می گردد که شرایط مادی لازم برای تحققش فراهم باشد.

نتیجه می گیریم: تضاد میان نیروهای مولده جدید و مناسبات تولیدی کهنه پایه اقتصادی عینی انقلاب اجتماعی است.

ف. انگلس در اثر خود، "تکامل سوسیالیسم از پندارگرایی به علم" نوشت، حل تضاد فقط می تواند بدین صورت باشد که سرشت اجتماعی نیروهای

\* در شرایط کنونی، وضع در جبهه‌ها شدیداً به ضرر "نیروهای اسلام" است. خصوصاً از دست دادن "فار" و "شلمچه" ضربه روحی شدیدی به بسیجی‌ها و حتی پاسدارهای رسمی وارد ساخته که این خود عامل مهمی در روند جنگ بشمار می‌آید. ارتش که دیگر جای خود دارد. روحیه ارتشپایان پاک خراب است.

\* از جمله در برنامه‌ای تحت عنوان "مقاومت تا پیروزی" آشکارا زمینه‌ها پذیرش پایان بخشیدن به جنگ فراهم می‌گردد. در حال حاضر مسئله "جنگ جنگ تا پیروزی" در واقع مسئله "جنگ جنگ تا فرام شدن شرایط عقب نشینی" تبدیل شده است. در برنامه "تلویزیونی" مقاومت تا پیروزی اظهار نظر افسار گوناگون مردم و از آن میان اظهارات مخالفان ملایم ادامه جنگ در چارچوب "پایان بخشیدن هر چه سریعتر به جنگ" بخش می‌شود که بنظر می‌رسد باید چشم انتظار تحولی در سیاست جنگی رژیم بود... بخصوص اینکه مردم در زیر فشارهای گوناگون از تورم و گرانی سرسام آور تا مزاحمت‌های گشت‌های رنکارنک همانند "جندالله"، "فتح الله"، "حارالله" و... به ستوه آمده‌اند... اعتراضات مردم در شهرهای اصفهان و تبریز و... شکل علنی و گسترده بخود گرفته است. در اصفهان شعار "مرگ بر قائد" سر داده می‌شود.

\* شعار "مرگ بر خمینی" بر دیوار کمیته پاسداران شهر قوچان با خط درشت نقش بسته است.

\* در خرداد ماه، در محله احمد آباد مشهد، هنگام قطع برق، شعار "مرگ بر خمینی" ظنین انداز می‌شود.

\* در شهر صنعتی البرز (قزوین) شعارهای "زنده باد صلح، نابود با جنگ"، "مرگ بر خمینی!" نوشته شده بود. بطوریکه از صدمتری دیده

از زبان یک نوجوان دانش آموز ۱۷ ساله که برگ شناسائی همراه نداشته و توسط شهرداری در تهران بعنوان مشمول دستگیر می‌شود:

صبح ساعت ۹ از خانه خارج شدم، چند قدم بالاتر از خانه‌مان پاسپاتی جلوبی را گرفت و از من کارت شناسایی خواست و چون همراه نداشتم، مجال حرف زدن بمن نداد و به داخل مینی بوسی که پر از جوان و نوجوان (!!) بود، هلم داد. اول ما را به پادگان عشرت آباد بردند. آنجا ضمن اینکه به صورت تک تک ما سبلی زدند، جیب‌هایمان را خالی کردند. اسم‌هایمان را نوشتند و جلوی ردیف سال تولد، در صورتی که می‌گفتیم ۵۰ یا ۵۱، خودشان می‌نوشتند ۴۴ یا ۴۵ و...

بعد ما را داخل یک کامیون ارتشی ریختند و چادر کامیون را هم کشیدند. از گرما به حالت خفگی افتاده بودیم. همه را مثل گوسفند روی هم انداخته بودند. بعد از مدتی کامیون راه افتاد. ما را به پادگان افسریه ("۲۱ حمزه") بردند. آنجا بعد از پیاده شدن، ما را به یک محوطه حیاطمانند بردند و چند نفر درجه دار با فانوسقه و مشت و لگد به جانمان افزودند و فحشهای رکیکی حواله ما می‌کردند. خیلی تریسیده بودیم. در زیر کتک بچه‌هایی کم سن و سالتر از خود را در کنار مردان مسنی که هم سن پدر من بودند، می‌دیدم. تعداد زیادی بچه‌های روستایی و افغانی و عراقی هم دستگیر شده بودند. از همه بدتر وضع افغانی‌ها بود. چون اگر ما به امید رهایی توسط خانواده‌هایمان بودیم، این بیچاره‌ها هیچ امیدی نداشتند.

ظهر کمی از خورشید مانده، سربازها را با نفری یک نان بروکی پمادادند. بعد از ظهر یک نفر

می‌شد. علاوه بر آن، در اواخر اردیبهشت ماه، شعار "مرگ بر خمینی" روی آسفالت در ابتدای جاده "قزوین-رشت" نوشته شده بود.

\* در اوایل خرداد ماه، بر در و دیوار دانشگاه اصفهان شعارهایی علیه رژیم و بر ضد جنگ نوشته می‌شود. مسئولین دانشگاه برای پاک کردن شعارها و جلوگیری از تکرار شعارنویسی، به بهانه‌های واهی دانشگاه رایک هفته تعطیل می‌کنند.

## پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی رژیم

\* در اوایل خرداد ماه، هنگامی که خاموشی در شهر بر وجود فرمانروای می‌گردد، عده‌ای به خیابانها می‌ریزند و با شعارهای "مرگ بر خمینی!"، "مرگ بر جنگ!" سکوت شب را در هم می‌شکنند. سپاه با تیراندازی هوایی تظاهر کنندگان را پراکنده می‌سازد.

\* چند روز پیش از "روز قدس"، در مهدیه تهران واعظی پس از نماز مغرب به وعظ می‌پردازد و از جمله می‌گوید: نشینید خانه و هی غر بزنید که جنگ نمی‌خواهیم. روز قدس بیانشید بیرون و این را در راهپیمایی اعلام کنید!

\* در روز یازدهم تیر ماه، در میدان انقلاب، تعدادی جوان دست به تظاهرات ضد جنگ می‌زنند که با سر رسیدن مزدوران رژیم و تیراندازی هوایی، آنها صحنه تظاهرات را ترک می‌گویند. این تظاهرات ضد جنگ پس از صدور بیانیه "جنگ طلبانه" شورای عالی پشتیبانی جنگ و هنگام

## اسیر یا "داوطلب"

که خانواده‌اش برگ پایان خدمتش را آورده بود، آزاد شد و من و عده‌ای دیگر آدرس به او دادیم (چون اجازه نمی‌دادند کسی به خانواده‌اش تلفن بزند و اطلاع بدهد) که به خانواده‌هایمان اطلاع بدهد. شب در زیر زمینی جایمان دادند و به هر کدام یک تکه آبری دادند. از شام خبری نبود. صبح ساعت ۴ صبح بیدارمان کردند و وادارمان کردند در محوطه بدریم. تا ساعت ۸ کلاغ پر و پاشو و بنشین بمان دادند که همه نفس‌هایمان بند آمده بود. ضمناً بگویم که شب قبل موی سر همه ما را با ماشین سلمانی بزور مشت و لگد کوتاه کردند و زورشان به هر کس نمی‌رسید، بقول خودشان یک چهار راه درست می‌کردند و فقط جلوی سرش را با ماشین می‌زدند که خودش مجبور شود بقیه سرش را بزند. آنروز تا ساعت یک بعد از ظهر زیر آفتاب منتظر ماندیم که از طرف خانواده‌هایمان مدارک شناسایی‌مان آورده شود تا آزاد گردیم.

پدر جوان دستگیر شده، داستان آنطرف سیمهای خاردار را اینطور تعریف می‌کرد: پس از اینکه اطلاع پیدا کردیم به پادگان افسریه رفتیم و از آنجا به پادگان عشرت آباد حواله‌مان دادند. خلاصه با تهیه فتوکپی از مدارک (شناسنامه) عکس‌دار و یا برگ پایان خدمت) برگ ترخیص برای او صادر شد و برگ ترخیص را به پادگان افسریه بردیم و پس از چندین ساعت سرگردانی توانستیم فرزندمان را آزاد کنیم.

سربازگیری در میدان انقلاب انجام می‌گیرد. شایان ذکر است که عصر همانروز تظاهراتی کوچک باز در میدان انقلاب برگزار می‌شود، منتها این بار در حمایت از بیانیه. بدین صورت که تعدادی در میدان انقلاب اجتماع می‌کنند، روی زمین می‌نشینند و قطعنامه‌ای صادر می‌کنند. این قطعنامه سرپا در مدح جنگ و ضرورت ادامه جنگ بود و بر پیشانی طرفداران "صلح تحمیلی"، بویژه قطعنامه ۵۹۸ داغ محکومیت می‌زد. این تظاهرات در واقع برای از بین بردن تاثیرات تظاهرات صلح خواهانه جوانان در صبح همانروز صورت گرفت.

\* رژیم برای تدارک اعزام به جبهه و "کمک‌های مردمی" "۱۵ خرداد" خود را به آب و آتش می‌زند. مثلاً عوامل رژیم در خیابان شوش جلوی رانندگان کامیون را می‌گرفتند و به آنان ابلاغ می‌کردند که بایستی به جبهه بروید. وقتی با امتناع آنها روبرو می‌شدند، آنها را به سپاه می‌برند و آنقدر کتک می‌زنند که نای راه رفتن نداشتند. به آنها می‌گفتند "ما خودمان ماشین‌ها را بار می‌زنیم. بروید کم شوید!" رانندگان به گاراژ می‌روند و جریان را به دیگر کامیونداران می‌گویند. آنها وقتی که این جریان را می‌شنوند همگی کامیون‌هایشان را روشن می‌کنند و از شهر خارج می‌شوند.

\* در اردیبهشت ماه، در نقده، جوان دانشجویی، قرآن بدست در خیابانهای شهر به راهپیمایی می‌پردازد و خواهان پایان جنگ می‌شود. حدود ۲۰ نفر او را همراهی می‌کنند. تظاهرات بدون سر و صدایان می‌یابد، ولی شب همانروز پاسداران او را دستگیر می‌کنند و کتک مفصلی به او می‌زنند.

\* در اواخر خرداد ماه در چند محله تهران از جمله عشرت آباد و حدود باغشاه، بعد از ساعت ۱۰ تظاهرات موضعی ضد جنگ صورت می‌گیرد.

\* در تظاهرات محله فقیر نشین "زینبیه" بقیه در صفحه ۶

وی ادامه می‌دهد:  
جلوی پادگان افسریه هر روز قیامت است. زنان و مردان، بستگان و فرزندان دستگیر شدگان زیر آفتاب به سیم‌های خاردار و میله‌ها آویزان شده و خواهش و تمنا می‌کنند که اجازه دهند فرزندانشان را ببینند. فحش می‌دهند و رژیم را نفرین و لعنت می‌کنند. مادران روستایی اکثراً سردرگم و نگران به اینطرف و آنطرف بدنبال سربازی، درجه‌داری و یا افسری و خلاصه هر کسی که لباس نظامی پوشیده باشد، می‌دوند تا از آنان استمداد بطلبند. سربازانی که مامور پاسخگویی به مردم هستند، دست چپین شده‌اند و از آنها خواسته شده که با مردم برخورد زنده کنند و به پرسش‌های آنها پاسخ سربالا بدهند. گاهی به بهانه "اینکه فرزند شما از پادگان فرار کرده، خانواده‌ها را روزهای متوالی پشت در پادگان تکه می‌دارند. مردم بشدت از رژیم و سیاست جنگ طلبانه‌ش خشمگینند. یک مرد روستایی که برای آزادی فرزندش آمده بود می‌گفت: "انقلاب نکردیم که اینها بیایند فرزندانشان را جلو گلوله بیاندازند". زن دیگری بی‌پروا به بانیان کشتار بچه‌های مردم فحش می‌داد. خلاصه هر کس به فرخور حال و روزش جمله "نیشداری نصیب رژیم می‌کرد..." آری این اسیران همان "داوطلبان جبهه‌های حق علیه باطل و نور علیه ظلمت" هستند که رژیم هر روز خیر اعزام "داوطلبانه" آنان را در بوق و کرنا می‌خورد می‌دمد. پادگان افسریه هر ۱۵ روز یکبار آماده تحویل نوجوانان و جوانانی است که در خیابانهای تهران دستگیر می‌شوند.

★★

**ساموزیم - نسیم کیم  
سازمان دهم!**

**انقلاب**

مولده\* امروزین عملا برسیت شناخته شود و بدیتسان میان شیوه\* تولید و تصاحب محصول و مبادله از یک سو و خصلت اجتماعی وسایل تولید از سوی دیگر هماهنگی برقرار شود(۶).

باید در نظر داشت که استقرار مناسبات نوین تولیدی فقط از راه مبارزه\* طبقاتی امکان پذیر است که انقلاب اجتماعی نقطه\* اوج آن بشمار می رود. به همین دلیل لنین مبارزه\* شدید و حاد طبقات را انقلاب می نامید. لنین بر آن بود که بدون مفهوم طبقه و جامعه\* طبقاتی مفهوم انقلاب اجتماعی مشخص نیست. بعقیده\* وی، هرگونه تحول سیاسی، اگر تحویض دار و دسته ها نباشد، انقلاب اجتماعی است، فقط باید دید که انقلاب اجتماعی کدام طبقه است.

**انقلاب اجتماعی و انقلاب سیاسی**

مهمترین وظیفه\* انقلاب اجتماعی مسئله\* انتقال حاکمیت و قدرت است. انقلاب اجتماعی، چنانکه گفتیم کهنه را نابود و نو را بوجود می آورد.

چرا باید به مسئله\* حاکمیت و دولت اهمیت داد؟ برای اینکه دولت حربه\* ویژه ای است برای دفاع از منافع طبقه\* حاکم و حفظ موجودیت نظام اجتماعی - اقتصادی موجود. از سوی دیگر ما می دانیم که مسئله\* حاکمیت در انقلاب اجتماعی ناشی از ماهیت و وظایف آن است. انقلاب برای حل مسائل خود ناگزیر از بر طرف ساختن مقاومت متشکل نیروهای ارتجاعی است. این نیز بدون قدرت سیاسی ناممکن است.

در انقلاب سوسیالیستی طبقه\* کارگر حکومت ویژه\* خود را بوجود می آورد که متکی بر قدرت توده های وسیع زحمتکشان است و وظیفه\* آن دفاع از دستاوردهای زحمتکشان در برابر دشمنان داخلی و خارجی است. فرق میان حکومت طبقه\* کارگر با دیگر حکومتها در آن است که طبقه\* کارگر از قدرت و حکومت خود برای تحکیم و گسترش اتحاد با توده های زحمتکش استفاده می کند.

باید به یک موضوع دیگر نیز توجه داشت و آن درک صحیح تناسب میان انقلاب اجتماعی و انقلاب سیاسی است. این دو انقلاب یکسان نیستند. انقلاب سیاسی گرفتن زمام حکومت توسط طبقه\* ترقیخواه است. البته می توان آن را، به مفهوم محدود، انقلاب اجتماعی هم نامید، اما نباید فراموش کرد که انقلاب سیاسی نه همه\* مسائل تحول انقلابی جامعه، بلکه آن بخش از این مسائل را که با انتقال زمام امور بدست نیروهای مترقی ارتباط دارد، حل و فصل می کند. انقلاب سیاسی وسیله و شرط مهم تحولات بنیادی در تمام شئون زندگی اجتماعی است.

و ای. لنین در مقاله\* "درباره\* شعار کشورهای متحده\* اروپا" نوشت: "... دگرگونیهای سیاسی در جهت و ابعاد مکرانیک و به طریق اولی

انقلابهای سیاسی، به هیچ وجه و هیچگاه و در هیچ اوضاع و احوالی نه می توانند شعار انقلاب سوسیالیستی را تحت اشعاع قرار دهند و نه آن را تضعیف کنند. برعکس، این دگرگونیها همیشه آن را تسریع می کنند، پایگاه آن را گسترش می دهند و قشرهای تازه ای از خرده بورژوازی و توده های نیمه پرولتر را به مبارزه\* سوسیالیستی می کشانند. ولی از سوی دیگر در جریان انقلاب سوسیالیستی که نباید آن را یک عمل واحد پنداشت، بلکه باید به عنوان یک دوران تلاطم های طوفانی سیاسی و اقتصادی، یعنی دوران حادثترین مبارزات طبقاتی و جنگ داخلی و انقلابها و ضد انقلابها تلقی کرد، انقلابهای سیاسی امری ناگزیر هستند..." (۷).

این نیز مسلم است که انقلاب اجتماعی با انتقال حکومت بدست طبقه\* جدید پایان نمی پذیرد، یعنی به انقلاب سیاسی محدود نمی شود. پس از این انقلاب دوران کم و بیش طولانی تحولات انقلابی در همه\* عرصه های زندگی اجتماعی فرا می رسد، وظایف سازندگی و خلاقیت انقلاب در درجه\* اول اهمیت قرار دارد و این نیز نه روندی زودگذر، بلکه پس طولانی است.

اصلاحات (رفرم) را هم باید از انقلاب تمیز داد. البته با کمک اصلاحات هم می توان این یا آن تضاد اجتماعی را حل کرد. اما، ماهیت اصلاحات در آن است که گاهی حتی با وجود اینکه بیانگر تحول عمیق اجتماعی هستند، در هر حال سرشته\* حکومت را در دست طبقه\* گذشته باقی می گذارند.

آیا مارکسیست - لنینیست ها با اصلاحات (رفرم) مخالف هستند؟ پاسخ عبارتست از اینکه اگر اصلاحات در جامعه\* بورژوازی منجر به بهبودی در وضع زحمتکشان شود و به بیدار کردن حس آگاهی انقلابی آنان یاری رساند، مارکسیست ها نمی توانند مخالف آن باشند. اما، مارکسیست ها، برخلاف رفرمیستها، اصلاحات را هدف نهایی نمی شانند، بلکه آنها را وسیله\* نزدیک شدن به انقلاب می دانند.

ما، روی این مسایل برای آن تکیه کردیم تا کسانی که مارکسیسم - لنینیسم را می آموزند به کینه مطلب پی ببرند و مقولات علمی را دقیقاً پیاموزند. در غیر اینصورت همانند برخی از سازمانهای چپ موجود در ایران، فقط دنبال انقلاب ناب خواهند بود و هرگونه انقلاب سیاسی، تحول اجتماعی و نیز اصلاحات را ضد مارکسیستی و عدول از "سیاست مستقل طبقه\* کارگر" معرفی خواهند کرد.

ادامه دارد...

**منابع**

- ۱- و. ای. لنین، مجموعه\* کامل آثار، جلد ۲۶، ص ۵۲۱
- ۲- همانجا، ص ۴۵۷
- ۳- همانجا، جلد ۴۴، ص ۲۲۲
- ۴- همانجا، جلد ۲۶، ص ۱۱۹
- ۵- مراجعه شود به مارکس، انگلس، لنین درباره\* انقلاب اجتماعی، از نشریات حزب توده\* ایران، ص ۱۱
- ۶- همانجا، ص ۱۵
- ۷- همانجا، ص ۱۴۶

می گوید: "روحیه\* بچه های سپاه خیلی پائین آمده و استعفاها خیلی زیاد شده است. اغلب بچه ها سعی می کنند از جبهه رفتن شانه خالی کنند".

\* از مدت ها پیش از پذیرش قطعنامه، در درون سپاه گروهی از پاسداران خواه از بین پاسداران ساده و یا از مسئولان به این نتیجه رسیده بودند که جنگ بی فایده است و هیچ پیروزی در کار نخواهد بود.

\* پس از انتخابات و شکست یک جناح، اختلافات در درون حاکمیت بسیار بالا گرفت. در پی آن، عده ای پر شمار از دست اندرکاران از جبهه ها راهی تهران شدند و بیش از پیش زمینه برای شکست های نظامی فراهم گردید.

\* عده ای از پاسداران اعتقاد داشتند که روحانیونی که خواستار ادامه\* جنگ هستند، بفرمایند بروند بچنگند.

\* یکی از پاسداران "سپاه زهرا" تبریز می گوید که در یک نوبت اعزام، نتوانستیم بیش از ۷۵ نفر را در تبریز جمع کنیم.



از دست دادن "فاز" و "شلمچه" و... شده بودند. \* استعفا\* در میان اعضا\* سپاه شدت گرفته است. یکی از پاسداران که برای تامین کسری هزینه\* زندگی بعد از ظهرها سیکار فروشی می کند،

**پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸**

اصفهان مردم روز اول شعار "مرگ بر خمینی" می دادند و روز بعد از آن تظاهرات موضعی در نقاط مختلف شهر برگزار شد. شعارهای روز دوم چنین بود: "مرگ بر آقا بزرگ" (منظور خمینی) و "یا نه شاه می خواهیم، نه ملا-مرگ بر روح الله".

\* در خرداد ماه، سپاه در چارچوب تلاش برای بسیج نیرو جهت اعزام به جبهه، به شرکت ها و کارخانجات گوناگون یورش می برد. از جمله "شرکت حمل و نقل ایران - اروپا" از طرف سپاه محاصره می شود. تعدادی از کارکنان شرکت موفق می شوند از حلقه\* محاصره خارج گردند. ولی در نهایت، سپاه ۸ نفر از کارکنان آکه هیچگاه پایشان به جبهه نرسیده بود را با خود می برند.

**در بین نیروهای مسلح**

\* در پی شکست های پیاپی نظامی رژیم در جبهه ها، اعلامیه هایی توسط ارتشی ها در پادگانها و مراکز نظامی پخش می گردد. ارتشیان در این اعلامیه ها خواستار محاکمه\* فرماندهان سپاه بخاطر

## فراخوان

برای همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی

## کمیته ایرانی تدارک ۱۳-مین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان



FOR ANTI-IMPERIALIST SOLIDARITY, PEACE AND FRIENDSHIP

## جوانان مبارز و مترقی ایران!

"سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان"، با شعار "همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی" تابستان ۱۳۶۸ در پیونگ یانگ، پایتخت جمهوری دموکراتیک خلق کره، برگزار خواهد شد. برگزاری این فستیوال جهانی برای اولین بار در قاره آسیا بر اهمیت و ارزش این فستیوال جهانی برای ما جوانان و دانشجویان مترقی ایران می افزاید.

جوانان و دانشجویان مترقی ایران با وجود جو اختناق و ترور حاکم بر میهن مادرمه ۱۲\* فستیوال گذشته شرکت کردند و پیام رزم و مبارزه\* حماسی جوانان ایران علیه اختناق، ارتجاع و امپریالیسم رابه گوش جوانان جهان رساندند. بسیاری از این فرزندان دلیر خلق اکنون در بدترین شرایط ممکن در زندانهای قرون وسطایی رژیم جنایتکار خمینی به سر می برند.

در ادامه\* همین تاریخ غرور آفرین، شرکت پرشور جوانان ایرانی در این فستیوال های صلح و دوستی، در خرداد ماه امسال نخستین جلسه\* کمیته\* ایرانی تدارک سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان با شرکت نمایندگان سازمان جوانان توده\* ایران، سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران (آدسی)، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، انجمن همبستگی سندیکاها ایران و کمیته\* ملی صلح ایران برگزار شد. در نخستین جلسه\* کمیته\* تصمیم گرفته شد تا بلافاصله کارهای تدارکاتی برای شرکت هر چه باشکوه تر و مؤثرتر هیئت نمایندگی ایران آغاز شود. کمیته همچنین تصمیم گرفت تا تصمیمات اتخاذ شده در جلسه\* نخست رابه آگاهی جوانان و دانشجویان مترقی برساند و از آنان در اجرای این تصمیم ها یاری خواهد.

تصمیم های نخستین جلسه\* کمیته\* ایرانی تدارک سیزدهمین فستیوال به شرح زیر است:

- تهیه\* مجله\* مخصوصی که عرصه های مختلف مبارزات قهرمانانه\* جوانان و مردم میهنمان را علیه حکومت جبار خمینی نمایان سازد. این مجله به زبان انگلیسی تهیه خواهد شد و میان همه\* شرکت کنندگان در فستیوال پخش خواهد گردید.

- سازماندهی کارزار وسیعی در افشای سیاست های جنگ طلبانه\* رژیم جمهوری اسلامی و فاجعه ای که این سیاست مخرب برای میهن ما و خصوصاً زحماتشان میهنمان به بار آورده است. هدف این کارزار تجهیز هر چه وسیع تر جوانان مترقی در سراسر جهان و سازمان های بین المللی شرکت کننده در فستیوال برای تشدید فشار بر روی رژیم جمهوری اسلامی به منظور قطع فوری جنگ ایران و عراق و برقراری صلح میان دو کشور همسایه است.

- سازماندهی کارزار وسیعی برای تشدید همبستگی بین المللی (در اشکال مختلف) با زندانیان سیاسی قهرمان ایران در چارچوب فعالیت های مختلف فستیوال.

- سازماندهی کارزار وسیعی در افشای سیاست های قرون وسطایی و ارتجاعی رژیم علیه زنان در بند میهنمان، خصوصاً علیه جنایاتی که در زندانهای رژیم علیه زنان مبارز در بند صورت می گیرد.

- سازماندهی کارزار وسیعی در افشای سیاست های ضد انسانی رژیم و ستمی که بر خلق های ایران خصوصاً خلق های کرد و بلوچ اعمال می گردد.

- سازماندهی کارزار وسیع همبستگی با نزدیک به دو میلیون جوان مهاجر ایرانی که بر اثر استیلا جو ترور و اختناق بر ایران ناچار به جلا وطن شده اند. در این عرصه بسیج هیئت های شرکت کننده از کشورهای اروپایی، ترکیه، پاکستان، هند و سازمان های بین المللی شرکت کننده از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

- استفاده از مجله\* آرمان (و سایر مجلات و نشریات مترقی که حاضر به همکاری هستند) برای آشنا کردن جوانان و دانشجویان ایرانی با تاریخچه\* این فستیوال های پرشکوه صلح و دوستی.

- سازماندهی یک مسابقه\* طراحی میان همه\* جوانان مترقی ایران برای تهیه\* پوسترها و آرم های مختلف همبستگی بر این فستیوال.

## جوانان مبارز و مترقی ایران!

کمیته\* ایرانی تدارک سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان بار دیگر از همه\* شما می خواهد تا فعالانه در تدارک این فستیوال جهانی صلح و دوستی با ما همکاری کنید. پیشنهادها و نظرات خود را از طریق آدرس پستی برای ما ارسال دارید. ما بار دیگر از همه\* سازمان های جوانان و دانشجویان مترقی و مبارز ایرانی می خواهیم که به کمیته\* ایرانی تدارک سیزدهمین فستیوال جهانی جوانان بپیوندند و ما را در تدارک هر چه باشکوه تر این فستیوال یاری رسانند. نباید گذاشت اختلاف های سیاسی - عقیدتی مانع شرکت مشترک ما در این گردهمایی پرشکوه باشد. بیائید تا دست در دست هم سرود صلح، آزادی و رزم قهرمانانه\* میهنمان رابه گوش جوانان جهان برسانیم. تاریخ این وظیفه\* خطیر را بر دوش ما گذاشته است و ما در برابر جوانان و دانشجویان میهنمان که در شرایط دشوار ترور و اختناق رژیم جمهوری اسلامی، پیکار می کنند مسئولیم.

به امید پیروزی خلق های قهرمان کشورمان در امر آزادی و صلح و در مبارزه برای سرنگونی رژیم جنایتکار!

IPC: BM.Box 2490 London  
WCIN 3X X Britain

کمیته ایرانی تدارک ۱۳-مین فستیوال جهانی  
جوانان و دانشجویان ... تیرماه ۱۳۶۷

## از کارخانه ها، زندگی و رزم کارگران



## \* اعتصاب در ماشین سازی تبریز

در کارخانه\* ماشین سازی تبریز اعتصابی بوقوع پیوست. خواستهای کارگران اعتصابی عبارت بود از: ۵ نفر کارگری که از کار اخراج شده اند، به کار باز گردانده شوند، دستمزدها افزایش یابد، بدون اجازه\* کارگران حتی یک ریال هم نیابد به جیبه یا دیگر امور اختصاص داده شود و روزهای پنجشنبه تعطیل اعلام گردد. در نتیجه\* مبارزه\* متحد کارگران پنج نفر کارگر اخراجی به کارشان باز گردانده شدند. مدیر کارخانه با بلندگو اعلام کرد که خواستهای آنها به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

## \* اعتصاب در کارخانه\* توکلی تبریز

در پی اخراج چند تن کارگران در نتیجه\* تبانی مدیر عامل و انجمن اسلامی، کارگران برای نشان دادن مراتب اعتراض و همبستگی خود، دست به اعتصاب زدند. کارگران پس از چند روز اعتصاب، موفق شدند کارگران اخراجی را به کار باز گردانند.

## \* تحصن کارگران "کارخانه\* فیبر" بندر انزلی

کارگران "کارخانه\* فیبر" واقع در جاده\* زیبا کنار بندر انزلی، برای جلوگیری از اخراج حدود ۶۰ نفر از همکاران خود دست به تحصن زدند. در اردیبهشت ماه، مسئول این کارخانه به بهانه\* عدم دریافت ارز دولتی برای وارد کردن قطعات از کار افتاده، تصمیم می گیرد حدود ۶۰ نفر از کارگران را اخراج کند. کارگران به اداره\* کار بندر انزلی شکایت می برند، ولی هیچگونه جوابی به آنها داده نمی شود. کارگران با برخی از مسئولان اداره\* کار درگیر می شوند و در همان اداره متحصن می گردند تا به این امر رسیدگی شود. اداره\* کار به سپاه و فرمانداری اطلاع می دهد. مزدوران سپاه بمحض ورود مبادرت به تیراندازی هوایی می کنند. ولی کارگران می گویند ما از جای خود تکان نمی خوریم و یکی از کارگران با فریاد می گوید: "تا ما حق خود را از کارفرما نگیریم و اخراج را پس نگیریم، با تمام گرسنگی و فقر به مقاومت خود ادامه می دهیم. دولت مدعی است از کارگران حمایت می کند ولی با تیر و تفنگ با ما حرف می زند. عجب حمایتی!!"

به این ترتیب کارگران با عزم و شور تصمیم به مقاومت می گیرند. سرانجام فرماندار می آید و از کارگران فرصت می خواهد تا با "دولت" پیرامون روشن شدن تکلیف کارخانه و کارگزارانش وارد صحبت شود. کارگران در انتظار پاسخ فرماندار هستند.

شایان ذکر است که "کارخانه\* فیبر"، ۲۰ سال است که فیبر تولید می کند. کارگران این کارخانه بطور عمده از روستائیان فاقد زمین هستند که برای کار به این کارخانه روی آورده اند. به این دلیل کارفرما هر گونه اجحافی را در مورد آنها روا می دارد. کارخانه خصوصی است.

### نامه خانواده زندانیان سیاسی

جناب آقای خاویر پیرزد کوشیار دبیر کل سازمان ملل متحد

بار دیگر نامه تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی ایران را پیش رو دارید که برای نجات جان فرزندانمان از سپاه‌های رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، دست کمک و یاری به شما و به تمام مردم شریف، صلح دوست و آزادیخواه جهان دراز کرده‌اند.

از تاریخ ۱۹۸۸/۴/۲۲، جنایتکاران خمینی، درهای تمام زندانها را بسته و به کشتاری فجیع و بی سابقه در اوین و دیگر زندانهای کشور دست زده‌اند. گورهای دسته‌جمعی در گورستانهای اطراف تهران صحت این مسئله را نشان می‌دهد. اضطراب و وحشت بی‌حدی تمام خانواده‌ها و بستگان زندانیان سیاسی در بندر افرا گرفته و مقامات قضایی کشور تاکنون هیچ پاسخ روشنی به خواسته‌های ما نداده‌اند.

عالیجناب!

اینک نه تنها جان آن تعداد از زندانیان سیاسی که تا بحال بلا تکلیف و در انتظار حکم بودند، در خطر است، بلکه جان هزاران نفر دیگر نیز که به حبس‌های طولانی مدت محکوم شده‌اند و با تاریخ حکم‌شان به پایان رسیده، به علت اینکه هنوز بر سر مواضع اعتقادی خود می‌باشند در خطر است.

عالیجناب!

ما از طریق شما، از تمام مردم آزاد و انسان‌دوست جهان می‌خواهیم تا به نجات جان فرزندان، همسران، خواهران و برادران ما بشتابند.

عالیجناب!

ما از کمیته دفاع از حقوق بشر و کلیه سازمانها و نهادهای مترقی و دمکراتیک در سراسر جهان تقاضا داریم که برای رسیدگی فوری به این امر، با فرستادن هیئت‌های بررسی و وارد آوردن فشار به جمهوری اسلامی دست رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را از ادامه این جنایات هولناک بازدارند.

ما از طریق شما، وجدانهای بیدار جهان را به کمک می‌طلبیم.

امضا جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی ایران

### کارزار وسیع دفاع از زندانیان سیاسی

#### در ایالات متحده

چند شهر ایالات متحده اینروزها شاهد برگزاری کارزار وسیع دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران بود. اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرهای نیویورک، لوس آنجلس، سانفرانسیسکو و... در اعتراض به موج اعدامهای اخیر که تاکنون عده‌ای از رفقای توده‌ای و فدائیان (اکثریت) و نیز اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای سیاسی قربانی آن شده‌اند، دست به اعتصاب غذای دو روزه زدند. این اقدام توده‌ایها پشتیبانی دیگر سازمانهای مترقی و دمکرات را بخود جلب کرد. ایرانیان ساکن این شهرها از یک سو و مردم محلی از سوی دیگر با امضا طومارهایی که به همین منظور تهیه گردیده بود، ضمن ابراز حمایت از زندانیان سیاسی، مراتب انزجار و اعتراض خود را نسبت به اعدامها اخیر زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند.

همچنین نماینده هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در یکی از محلهای برگزاری اعتصاب حضور یافت و پیام همبستگی سازمان را به نماینده اعتصاب کنندگان تحویل داد.

همزمان با این اعتصابات، نمایشگاههای عکس پوستر و پلاکاردها گوناگون در افشای جنایات رژیم ج.ا. بر پا شد. هزاران نسخه اعلامیه و اطلاعیه مطبوعاتی حزبی و نیز کارتهای اعتراضی تهیه شده برای ارسال به مراکز و مجامع بین‌المللی و نمایندگنها و مقامات ج.ا. تهیه و پخش گردید.

در نتیجه فعالیتها و پیگیری رفقای حزبی ما در شهرهای مختلف ایالات متحده، اخبار مربوط به کارزار مبارزه با جنایات رژیم و دفاع از جان همه زندانیان سیاسی در ایران بطور گسترده‌ای در نشریات و رسانه‌های مترقی و محلی آمریکا انعکاس پیدا کرد.

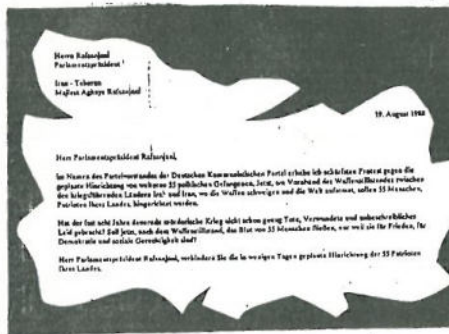
جزئیات دیگری از کارزار دفاع از جان زندانیان سیاسی در آمریکا در شماره‌های بعدی "نامه مردم" منعکس خواهد شد.

### ۸ سال جنگ و خونریزی

#### کافی نبود؟

در پی افشای اخبار مربوط به اعدام رفقای حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در زندانهای ج.ا.، رهبری حزب کمونیست آلمان فدرال با ارسال دو نامه مشابه به سفارت ج.ا. در این کشور و نیز برای هاشمی رفسنجانی، خواستار توقف فوری همه اعدامها و آزادی زندانیان سیاسی در ایران شده است. متن نامه به هاشمی رفسنجانی چنین است:

"بنام رهبری حزب کمونیست آلمان، اعتراض شدید خود را نسبت به تدارک اعدام ۵۵ تن دیگر از زندانیان سیاسی اعلام می‌دارم. اکنون، در آستانه آتش‌بس میان دو کشور متخاصم عراق و ایران و در حالی که سلاحها خاموشند و جهان نفس تازه می‌کند، ۵۵ انسان که میهن دوستان کشورتان هستند می‌باید به جوخه‌های اعدام سپرده شوند.



آیا جنگ مرگ زایشی که نزدیک به هشت سال ادامه یافته به اندازه کافی کشته و معلول و فلاکت‌های توصیف ناپذیر بار نیاورده است که دیگر بار باید خون ۵۵ انسان، تنها به این خاطر که خواهان صلح، دمکراسی و عدالت اجتماعی بوده‌اند، بر زمین ریخته؟

آقای هاشمی رفسنجانی از اعدام برنامه ریزی شده نزدیک ۵۵ میهن پرست کشورتان جلوگیری کنید!

هاینس لانگ

از سوی رهبری حزب کمونیست آلمان  
۱۹ اوت ۱۹۸۸

### کمکهای مالی رسیده:

- "مریم" ۲۰۰ مارک
- "په فلسطين" ۵۰ مارک
- "په حزب" ۱۰۰ مارک
- په خانواده زندانیان سیاسی - "مجیدک" از ۸۵ مارک
- په یاد شهیدان حزب رفقای گوتنبرگ سوئد ۵۰۰ کرون
- په مهرگان از راه دور ۲۰۱۱ روپیه هندوستان
- توسط رفقای دانشارک ۷۵۰ کرون
- توسط رفقای دانشارک ۵۰۰ کرون

### گمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:  
Sweden, Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
NO: 040012650  
Dr. John Takman

### تصحیح و پوزش

تاریخ انتشار "نامه مردم" شماره ۲۲۴ به جای ۱۳۶۷/۶/۱۵ اشتباه ۱۳۶۷/۶/۱۵ چاپ شده است که بدینوسیله ضمن پوزش از خوانندگان گرامی تصحیح می‌شود.

### جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است